

# زنان

## هیچ جوهره نمی توان بی خیال خانواده شد

بررسی صحبت های رهبر معظم انقلاب در دیدار با بانوان بانگاهی به مسأله «خانواده»



نظر بگیرید که با تمام تفاوت های شکلی که دارند، اما قرار گرفتن شان کنار هم معنادار می شود و باعث می شود که همدیگر و در ادامه کلیت پازل را کامل کنند.

و چهارم که به نظر مهم ترین مسأله آمد امامت آسمانه در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی کج فهمی آن را دیدم، این بود که «خیلی از کارها هم با تفاهم انجام می گیرد.»

این یعنی، وقتی سه اصل اول را پذیرفتیم؛ یعنی محور بودن خانواده، ارزش های انسانی یکسان و دو جنسیت، ظرفیت های جسمی، روحی و امکانات متفاوت دو جنسیت را فهم کردیم، به یک مسأله مهم به نام تفاهم می رسیم. دوست دارم برای این مفهوم فقط یک مثال جدید و زنده بزنم. یکی از دوستانم درباره یکی از خواستگارانیش تعریف می کرد که به او گفته: «این طوری نباشه که چون بیرون کار می کنی، بیایید خونه و بگید خسته اید! به من ربطی نداره این چیزا، من باید شام آماده باشه.» این همان چیزی است که از آن حرف زدیم. قطعه پازلی که نخواهد به طور منطقی خودش، نسبتش

با قطعات دیگر پازل و جهان بیرون را بشناسد و درک کند، در نهایت مسأله وجودی اصلی اش این می شود که مثلاً آیا شستن ظرف ها کار اوست؟! در واقع اگر در تفکر، سه اصل استخراج شده از بیانات رهبری را نپذیریم، در اجرا که همان تربیت و رفتار است، لنگ می زنیم و برهمانیم بودیم.

می زنند؛ پوشش های زنان در غرب، همجنس بازی، مسائل جنسی سه جانبه یا چهارجانبه، آزادی جنسی و تعرضات جنسی و غیره را مثال می زنند تا به این برسیم که تمام اینها در جهت مخالف تقویت خانواده و ارزش های انسانی است و اگر به درستی درک کردیم که قرار گرفتن در مسیر درست انسانیت، انتخاب درک «خانواده» است، باید بدانیم که تمام این مسائل و ماجراها برای تضعیف همان مسیر درست است. سوم این که وظایف خانوادگی، وظایف اجتماعی، حقوق و مسئولیت های مختلف میان زن و مرد وابسته به «ظرفیت های جسمی، ظرفیت های روحی و امکانات افراد است.»

این یعنی نمی توان منکر شد که به هر حال برای خلق بشر دو جنس زن و مرد انتخاب شده و به تبع این جنسیت، ظرفیت ها هم متفاوت است. بنابراین نمی توان تفکر غلط «برابری جنسیتی» را در مسیر درست «عدالت» ببینیم. اصلاً تفاوت جنسیتی ایجاد شده که «خانواده» شکل بگیرد. این

مسأله به قدری مهم و البته لطیف است که زن و مرد در خانواده عامل تسکین و لباس هم شمرده شدند. در نظر تان دو قطعه مرکزی یک پازل را در



سارا مؤمنی  
دانشجوی دکتری مدیریت رسانه

وقتی می خواستیم درباره خانواده بنویسیم، خودش و مفهومی را در جهان امروز مغفول و اصلاً گم شده دیدم. هر جا صحبت از خانواده شد، سریعاً وظایف زن و مرد و حقوقی که نسبت به هم دارند، مقابل هم صف کشی کردند و هر شاخه ای از هر مسأله ای در اجتماع را دستاویز قرار دادند که خود را در خانواده محق تر ببینند. انگار که خود خانواده موضوعیت ندارد و فقط بهانه ای برای جدال حقوقی و اجتماعی زنان و مردان است. نمی خواهم پای منبر بنشینیم و حرف های کلی همیشگی را بکشیم. اما همیشه یکی از سوالات من در داستان آفرینش، «با هم» بودن حضرت آدم و حوا بود. این طور نبود که خداوند آدم را گوشه ای از زمین رها کند و حوا را گوشه ای دیگر. حتی قبل تر، انتخاب خداوند این بوده که در آغاز خلق انسان این دو با هم باشند. پس از اول این با هم بودن زن و مرد در قالب خانواده مهم بود. پس روشن است، یک زن، یک مرد، ازدواج و فرزندان همگی در خدمت این هستند که یک خانواده ایجاد شود. پس نمی شود که مغفول ماندن چنین چیزی یا تغییر شکلش با آسیب دیدنش اهمیتی نداشته باشد و به یک جدال کلیشه ای بدون نتیجه میان زن و مرد تبدیل شود؛ چیزی که در جهان امروزی شاهد آن هستیم و آنقدر مسأله حاد است که چند وقت پیش از زبان رهبر معظم انقلاب هم آن را شنیدیم.

زن، مسئولیت و فعالیت های اجتماعی، وظایف خانوادگی و غیره صحبت کردند و در خلال این صحبت ها برای فهم بهتر، مثال های مختلفی زدند. چند نکته در بیانات ایشان درباره نوع بشر و خانواده، نظر من را جلب کرد:

اول این که ایشان اشاره کردند که «دیروز یک کتابی برای من آوردند که صحبت هایی بود که خود بنده کرده بودم، چاپ شده بود و من ندیده بودم؛ نگاه کردم دیدم خیلی از حرف هایی که آماده کرده بودم و می خواستم امروز اینجا بگویم، در آن کتاب هست و قبلاً بارها گفته شده و در این زمینه ها زیاد صحبت کرده ایم.»

این یعنی، این حرف ها بارها گفته شده و چون بارها درست خوانش نشده و برای این که مسأله «خانواده» مهم است، پس باز هم مجبور به تکرار آن شده اند، حتی بیشتر. خانواده به قدری مهم است که مجبورند از مثال های عینی، نزدیک و دقیق استفاده کنند تا ما را به فهم اهمیت خانواده برسانند.

دوم این که «ارزش های انسانی در زن و مرد یکسان است و در نسبت ارزشی او با جنس مرد، مطلقاً جنسیت مطرح نیست.» این یعنی در گفتمان الهی و دین اسلام بساط گفتمان منحرف جنسیت گرایی در تفکر و در اجرا باید برچیده شود، چون هیچ کدام اینها برهم برتری ندارند و ماهیت خانواده که برقرار گرفتن این دو کنار هم است، مهم است. برای درک بهترین بخش از تفکر و محیط عینی غرب مثال

وقتی «خانواده» در شبکه های اجتماعی فقط زن یا فقط مرد است!

پیش از صحبت درباره سخنان رهبری، می خواهم درباره بازتاب سخنان ایشان در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی بنویسم. با این که خودم شنونده مستقیم حرف ها بودم و نسخه متنی سایت هم عین همان بود که مشاهده کردم و شنیدم، اما بازتاب آن در شبکه های مجازی برایم غیر قابل قبول، تک بعدی و عجیب آمد. صف بندی جوانان اغلب تحصیل کرده، با تجربه، انقلابی و معتقد درباره سخنان، معطوف به مثال های زده شده بود.

همان خطای کلیشه تکراری که مانع پیشرفت و در مسیر درست ماندن همه ما می شود. صحبت کردن از کار خانه و بیرون و حضور اجتماعی، حقوقی و وظایفی که زن و مرد نسبت به هم دارند و تقلیل دادن کلیت ماجرا با تکیه به مثال ها و مناقشه درباره آن مثال ها و اصل قرار دادن آن ها، اتفاقی است که در شبکه های اجتماعی افتاد و همین باعث کج فهمی اصل قضیه شد، همین کج فهمی چیزی شبیه «راه نرفتن حتی روی تردمیل» است؛ چون خود در جازدن و راه رفتن روی تردمیل در خود تحرک دارد، اما این راه نرفتن حتی روی تردمیل، همان بلایی است که در حوزه تفکر به مفهوم خانواده دچار شدیم.

### اصل حرف خانواده بود!

آن روز که میهمان رهبر معظم انقلاب بودیم، ایشان از مسائل مختلفی مانند برخورد غرب با زن، برخورد اسلام با زن، هویت